

اصل این نوشته ، مضمون برنامه بی میاشد که از طرف تلویزیون دوپچه وله DW-TV در دسترس شبکه های تلویزیونی افغانستان قرار گرفته است. بدینوسیله جهت اجازه پخش آن در رسانه های دیگر، از تلویزیون دوپچه وله ابراز امتنان می گردد. وطندار بنابر نیاز و اهمیت موضوع ، این مطلب را از روی نسخه بی جراید کشور اقتباس نموده است و با سپاس فراوان از تلویزیون دوپچه وله DW-TV درینجا به نشر می سپارد.



برگردان و ویراستار: جیلانی لیب

گنجینه های جهان - میراث بشریت

شهر لپخند اندوه

ویتنام



علت اصلی موجودیت چنین فضایی را کمتر کسی میداند. شاید دلیلش زیستن شاعران زیادی قبلاً درینجا باشد. منسوبین و ملتزمان قیصر نیز احساسات رمانتیک شاعرانه بی را داشته اند. باران های متداوم هم که زمان را، مثل آب رود خانه ها آهسته، پشت سر میگذارد، به نوبه بی خود آدم را سودایی می گرداند. همیشه وقتی خزان مه آلود، دریای عطرآگین یا "سونگ هونگ" **Houng Song** را، سخاوتمندانه در آغوش می گیرد، تأثیرش بر فضای "هوه" **Hue** نیز نقش می بندد. چکامهای زیادی وقف این دریا شده اند. این دریا هنوز شبیه همان پارینه هایی است که معماران از وی الهام گرفتند تا در عصر طلایی آنزمان ، هوه، این شهر شاعرانه را برای پادشاهان به عنوان قلب و پایتخت کشور "ویتنام" **Vietnam** بنا نمایند. جیا لنگ **Gia Long**، در اوایل سده بی نوزدهم میلادی، آخرین دودمان شاهی ویتنام را تأسیس کرد و با پیروی از چینی ها در کنار دریای عطرآگین، **Song Houng**، پایتخت جدیدی را آباد ساخت. دودمان "نویین" **Nguyen**، یکصد و چهل و سه سال در شهر هوه، نخست با شکوه تمام و بعد تا زوال و انحلال این سلسله با پای بوسی قدرت استعماری فرانسه حکمواپی نمودند. شهر هوه، در منطقه بی مرکزی ویتنام، در گردنه بی جذاب دریای سونگ هونگ قرار دارد. کار ساختمانی



این شهر در سال 1802 میلادی آغاز گردید و سی سال به طول انجامید. معماران، شهری را با حصار بلندی آباد کردند که در برابر گلوله بی توپ استقامت دارد و دیوار هایش یازده کیلومتر طویل می باشند. در داخل "هوه" شهر اصلی شاهی جای گرفته است که توسط قبرستانها و



دیوار ها احاطه شده و در آن قصر ها، نیایشگاه ها و وزارتخانه ها قرار میداشته باشند.

با وجود آنکه سده بی نوزدهم میلادی، زمان دگرگونی ها در جهان بود، در هُوه، برای بار دیگر دولتی فیودالی با مختصیات و ویژگی های چینی متشکل گردید. قیصران "توین"، آخرین سلسله بی شاهی در ویتنام بودند. آنها زمانی به قدرت رسیدند که استعمار، دیگر وارد دروازه های تمدن

دقیق باور های کنفوسیوس شده بود. این تمدن را ویتنام دو هزار سال پیش از چین متقبل گردیده و از آن پیروی نموده است. خط، فرهنگ، نظام کشوری، امپراطوری با قیصری به عنوان پسر آسمان و روش اداری دولتی، همه از چین که مدت زیادی بر ویتنام حکمروایی می کرد، به عنوان سرمشق پذیرفته



شده بودند. "نگو من" **Ngo Mon** ، دروازه بی بزرگ جنوبی دخول بطرف شهر قیصران است که مقابل تریبون آن ارتشیان رژه می رفتند، احکام به اجرا در می آمدند و رؤیت ماه نو اعلان میشد. در تعمیر زیرین دیوار های شهر، ساختمان پنج قوقنوس بر سر صد ستون قرار دارد. این عدد، بی نهایی و ابدیت پادشاهی قیصر وقت را نشان

می دهد. از دروازه بی چاشت، تنها قیصر رفت و آمد می نمود. "دین تای هوا" **Dien Thai Hoa** یا قصر اوج هماهنگی ، تالار شرفیابی امپراطور شمرده میشد. تاجگذاری های پادشاهان و سالگره های تولدی در این محل تجلیل می



گردیدند. قیصر، دوبار در ماه وزیران خود را در آنجا دور هم فرا می خواند. هر یکی از هشتاد ستون مستحکم چوبین خیلی ظریف جلا داده شده، نه بار نمودار علامت حیوان قصر یعنی اژدها می باشند همراه با ابر که مشروعیت آسمانی بودن قیصر را ابراز می دارند. در سال ۱۹۴۵ میلادی بود که آخرین قیصر، زمام قدرت را از تریبون "دروازه بی چاشت" به " هوشی مین" **Ho Chi Minh** سپرد و بیرق ویتنام انقلابی

به اهتزاز درآمد. مردم اینجا بعد از آن با دو جنگ، یکی مقابل فرانسه و دیگری علیه امریکا روبرو گردیدند. هر دو واقعه به هُوه شهر ساحل دریای عطر آگین، زیاد آسیب رسانید. غذاهای مشهور لذیذ هُوه و لباس های سفید نجابت بار شاگردان نسوان در مکتب ها، هنوز یادآور زمان شاهی اینجا هستند. هُوه، همیشه شهر تعلیم و تربیه بوده است و تا امروز مرکز آیین بودایی در وانتام بشمار می رود. صدای ناقوس معبد بزرگ هُوه ، تا فاصله بی ده کیلومتری شهر به گوش می رسد. "تین مو"، واقع در ساحل دریا و بیرون از شهر، نخستین عبادتگاه هُوه می باشد. این نیایشگاه ، با



برج هفت طبقه بی خود که مظهر هفت تجسم "بودا" ست، یکی از نشانه های ویژه بی شهر هُوه شمرده می شود. روایت برین است که زنی آسمانی بنام "تین مو" **Thien Mu** ، محل آبادی شهر جدید آنها را ازینجا برای شاهان دودمان "توین" پیشگویی نموده بود. تین مو، در جنگ ویتنام عبادتگاه مقاومت بشمار میرفت. موتری که نخستین راهب را

جهت "خودسوزی" به سیگون Saigon انتقال داده بود، بعنوان یادگار درینجا نگهداری می گردد. وسط هر تعمیر قدیمی شهر هُوِه دارای يك محراب دعاست. اعضای هر خانواده، پس از مرگ نیز در غیابت اینجا "حضور" دارند، مشوره میگردند، احترام می شوند و در همه بی رویداد ها شرکت می ورزند.



ریشه بی هیو Hieu ، یا گرامیداشت نیاکان، در دینداری ویتنامی ها نهفته می باشد که با تقدس ارواح میان مردم آمیخته شده است. در شهر هُوِه، هزاران جایگاه ارواح دیده می شود. آیین نیایش نیاکان، با تعلیمات ادیان بعدی همچون تائویسم Taoismus و قوانین کنفوسیوس، اما بیشتر از همه با بوداییسم در هم آمیخت و مترکم گردید. زمان شاهی، بوداییسم، آیین

رسمی ویتنام گردیده بود، همه بی پادشاهان کشور ازین دین پیروی می کردند. از اغلب عبادتگاه های بوداییسم که از سوی آنها ساخته شده است، سه صد نیایشگاه در شهر هُوِه قرار دارد. یکی ازین معبد ها که در سروستانی بیرون از شهر موقعیت دارد و جزیره بی برای آرامش، تفکر و تعمق است، عبادتگاه "تو هیو" Tu Hieu نامیده میشود. این پرستشگاه را که مخصوص خواجه های قیصر بود، در سال ۱۸۴۳ میلادی اساس گذاشته بودند. میراث فرهنگی شهر هُوِه، تنها ساختمانهایش نیست، بلکه غنای معنوی وی را نیز شامل می گردد.



در نیایشگاه شاهی "ته" The ، حفاظت گاه های شجره نامه های دودمان نوئین، پهلوی هم قطار شده ، نگهداری می گردند. در میان آثار یادبود نسب نامه های امپراطوران با قدرت و شاهان سرسپرده بی کشور فرانسه، نگهبانی گاه نگارین شجره نامه بی چهارمین قیصر شهر هُوِه که سرنوشت غم انگیزش بیانگر حالت غمگانه بی این منطقه میباشد، قرار دارد. این شاه که درازی قدش به يك و نیم متر میرسید، مردی تعلیم یافته

و آرام اما بیمار و بدون فرزند بود، "تو دوک" Tu Duc نام داشت. وی که شاعر خوبی بوده از خود چهار هزار قطعه شعر و ششصد پارچه بی ادبی بجا گذاشته است. "تو دوک" را قیصری ضعیف میدانند. پس از آنکه فرانسوی ها در زمان پادشاهی وی، ویتنام را زیر تصرف خود درآوردند، دربارش بیشتر به يك صحنه بی نمایش مبدل گشته بود.

به مشکل میتوان ادعا کرد که شاه دیگری شاید میتوانست ویتنام را نجات بدهد. تو دوک ، با احساس گناهی که میکرد، از واقعیت ها دوری گزید و در ساختمان آرامگاهش که وی آنرا طرح و مثل همه بی قیصران دیگر کشور، در زمان



زندگانی خود آباد نموده بود، پناه برد. در چند کیلومتری شهر، آرامگاه شاهان هُوِه واقع شده است. برای قیصران ویتنام، زندگی در روی زمین، زمانی گذرا بشمار میرفت. در آرامگاه های کاخ مانند که با پارک ها، حوض های سرشار از نیلوفر و گلستان ها آراسته شده اند، ارواح آنها پس از مرگ، محل مناسبی برای آرامش می یافتند. تو دوک، آرامگاهش را پیش از مرگ نیز استفاده می نمود. وی در کنار حوض آراسته با گلهای نیلوفر می نشست، شعر می خواند ، چامه می سرود و یا شب های

مهتابی در آن قایقرانی می نمود. وی برای مادر، زن و یکصد و چهار خدمتگار خواجه بی خود، منزل و نیایشگاه آباد کرد.

تو دوک، سپیده دم ها برایش جای میطلبید، موسیقی و شعر، ضیافت های پرشکوهش را همراهی می نمودند. تجمل اما کمتر توانست از افسردگی شدید وی بکاهد.



یک دهلیز با گارد تشریفاتی منسوبین ساخته شده از سنگ، به ساختمانی می انجامد که آرامگاه اصلی این قیصر در آن قرار دارد. با پنج هزار علامت حرفی در یک دیوار مرمرین سنگی، اعترافات "تو دوک" که خودش آنها را نگاشته، چنین حکاکی گردیده است:

"تحیف و بیمار زاده شده ام، ازینکه فرزندی از من به دنیا نیامده است، شرمم می آید. زمام امور کشوری را از پدرم با تردید به عهده بی خویشتن گرفتم. من گورم را "مرقد فروتنی" نامیده ام."

یکی از سروده های عصر قیصران، هوه را بدینگونه نجوا سر میدهد:

"ای هوه، دوشیزه بی اندوه! اینجا بیا! واقعیت ها را به فراموشی بسپار! آخر چرا تو، در میان اینقدر شادی و سرور دیگران، غمگینی!"

فضای این شهر قیصران در کشور ویتنام، تا امروز نیز کمی روحانی، مرموز و غمگانه باقی مانده است. در هوه، این شهرشاعرانه، اندوه لبخند می زند و سرور اشک می فشاند.

پایان

admin@vatandar.at

مدیر مسوول : دیپلوم انجنیر عمر محسن زاده

صاحب امتیاز : انجنیرنجیب یوسفی

کلیه ی حقوق بر اساس قوانین کپی رایت محفوظ و متعلق به «وطندار» می باشد

گزیده های مقالات فرهنگی استاد جیلانی لیبیب

<http://www.vatandar.at/index%20labib1>